



بخوانیم یا نخوانیم؟

جهادگرد شاید بتوان گفت به سبک وبلاگ‌های اواسط دهه هشتاد یا مجله همشهری جوان آن دوران که مخاطب زیادی هم داشت نگارش شده است به همین دلیل راحت می‌توان آن را خواند، فهمید و خندید. مستندهای ویدیویی موجود در کتاب هم هر جا که توانسته به کمک قصه آمده و روایت را دقیق‌تر کرده است. اگر می‌خواهید چهار پنج ساعتی در حال و هوای دیگری سیر کنید و کیف کنید حتماً این کتاب را بخوانید، فقط حیف که کتاب سیاه سفید است. اگر هم جهادگرد هستید تا به حال به ضرورت کار رسانه‌ای نرسیده‌اید حتماً این کتاب را با اعضای گروه خودتان مطالعه کنید.

المؤمن کیس

یکی از ویژگی‌های مؤمنان همین زیرکی است و بچه‌های جهادی هم بابت سریع کردن رفع مشکلات مردم خواه یا ناخواه زیرک می‌شوند. پس عجیب نیست که در این کتاب که نویسنده‌اش هم جهادگر است این کیاست را به وضوح ببینیم! بدون ای‌که متوجه باشید در هر فصل و بخش از کتاب با یک شهید آشنا می‌شوید که حداقل یک خاطره مرتبط نیز از او ذکر شده است. فکر می‌کنم در نهایت هفت یا هشت شهید را به زبانی ساده با هم یاد می‌کنیم. از شهدای امنیت شهر مشهد که در سال ۱۴۰۱ به شهادت رسیدند تا حاج قاسم و ابومهدی المهندس، شهید برق گرفته هیأت میثاق با شهدای دانشگاه امام صادق و حتی یکی از طلبه‌های جهادی روستای زهکلوک در این کتاب خاطره دارند. این هم یکی دیگر از ویژگی‌های مثبت این کتاب است.

عنصر شهرت

بحث رسانه باشد مگر می‌توانی از عنصر شهرت یاد کنی؟! آدم‌های معروف یا به زبان روزمره سلبریتی‌های صداوسیما هم از بخش‌های مختلف کتاب عبور

می‌کنند. البته با همان زیرکی نویسنده و در قالب خاطره‌ای از یک هجرت یا امدادسانی جهادی. اسامی حامد سلطانی، سید بشیر حسینی و مرضیه هاشمی مجری امریکایی پرس‌تی‌وی با ذکر خاطرات در کتاب آورده شده‌اند. از جزئیات که بگذریم، حضور افرادی مثل سید بشیر حسینی در جشن‌های پس از سیل پل دختر هم باعث امید بخشی در منطقه می‌شود و این افراد چون خودشان به شخصه هم یک رسانه حساب می‌شوند درامید آفرینی ملی و یا حتی تبلیغ فعالیت‌های خیرخواهانه و یا حتی جذب مشارکت‌های مالی و غیرمالی هم مثمرتر است. خاطره با مرضیه هاشمی: «به خاطر شغلش که خبرنگار بین‌المللی است درباره وضعیت مخابره سیل ایران در جهان پرسیدم پاسخ شنیدم. گفت: (خارجی‌ها) خیلی دوست دارن سیل را سیاسی کنن؛ مخصوصاً دشمنان ایران. بیشتر، ناکارآمدی‌ها و بدبختی مردم را نشون میدن. کسی نیامد از این جوانان و از این کمک‌های مردمی چیزی بگه یا حتی تک تصویری مخابره کنه. من که خودم آدم رسانه‌ای هستم، وظیفه خودم دونستم پیام از نزدیک ببینم. واقعاً جوانان، بیشتر از ۱۰ ساعت تو این گرمای طاقت فرسا بدون هیچ چشمداشت و منتی کار می‌کنن.»

آخرهای کتاب

آخرهای کتاب برای من کمی عذاب‌آور است! البته نه به عنوان یک خواننده معمولی بلکه به عنوان کسی که در این کار مسئولیتی به گردنم بوده مرور خاطرات آن برهه که تند و تند اتفاقات سخت و دردناک برای کشور و مردم می‌افتاد و حضور خیره‌کننده جهادگران در آن بحران‌ها برای رفع مشکلات و وظیفه رسانه‌ای و خبری ما در انعکاس این فعالیت‌ها، در نهایت پیام ۹ بندی مقام معظم رهبری به جهادگران که این حرکت‌های جهادی را به شکل هنرمندانه‌ای رسانه‌ای کنید...

تحلیل شخصی

خلاصه بگویم همه این کتاب مسیر پیشرفت رسانه‌ای حرکت‌های

”

اگر می‌خواهید در حال و هوای دیگری سیر کنید و کیف کنید حتماً این کتاب را بخوانید، فقط حیف که کتاب سیاه سفید است. اگر هم جهادگر هستید تا به حال به ضرورت کار رسانه‌ای نرسیده‌اید حتماً این کتاب را با اعضای گروه خودتان مطالعه کنید